



، اجتماعی ، فرهنگی توانست معادلات جهانی معمول را برهم زند و تحلیل های مادی دنیا پرستان را نقش بر آب سازد . این حادثه عظیم بی شک در یاد ملت ایران خواهد ماند و غرور و سرافرازی و حماسه آفرینی را در نسل های بعد بر جای خواهد گذاشت .
به امید آن روز

ومن...التوفیق

مدیر مسئول

در گذر زمان

31 شهریور سالروز شروع جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان آغاز هفته دفاع مقدس نامگذاری شده است .
دوران 8 ساله دفاع مشروع امت سلحشور ایران در حفظ و اعتلای نظام مقدس اسلامی و حراست از مرزهای عزت و شرف این مرز و بوم به مثابه یکی از حساس ترین و بارزترین برهه های حیات راستین این امت ، همچون نگینی تابناک همیشه زمان بر تارک تاریخ حماسه و ایثار و پایداری آزادگان جهان می درخشد. دفاع امت اسلامی ایران در برابر تجاوز همه جانبه دشمنان اسلام ، در تاریخ افتخار آفرینی مبارزات حق طلبانه یک ملت سترگ ، فروزان خواهد بود . پایداری ایران اسلامی که برخاسته از روح وحدت و ایمان بود ، در سایه هدایت های رهبر انقلاب اسلامی ، حضرت امام خمینی شکل گرفت و باعث احیای یک مکتب سازنده نهضت های آرمانگرا و ایدئولوژی جهانگیر شد .

دفاع مقدس ما در زمینه های مختلف سیاسی ، نظامی



برگزاری ترم تابستان

ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی امسال نیز مانند سال‌های گذشته مجری برگزاری ترم تابستانی بود. در این کلاسها دانشجویانی از 54 دانشگاه کشور حضور داشتند که ابتدا در روزهای 14-12 تیر ماه از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی و به دنبال آن دانشجویان غیر شاهد ثبت نام به عمل آمد. چرا که طرح برگزاری ترم تابستان در ابتدا جهت استفاده دانشجویان شاهد و ایثارگر برنامه ریزی شده بود که هر سال در صورت وجود ظرفیت از دانشجویان میهمان نیز ثبت نام انجام می‌پذیرد که خوشبختانه امسال نیز با اعلام ظرفیت از سوی ستاد شاهد و ایثارگر از دانشجویان میهمان نیز در روزهای 17-15 تیر ماه ثبت نام به عمل آمد. کلاسها نیز مانند سنوات گذشته در دانشکده علوم ریاضی تشکیل گردید. در این ترم 25 درس اختصاصی و 10 درس عمومی ارائه شد. امتحانات نیز از تاریخ 28/5/85 آغاز شده و در تاریخ 2/6/85 به پایان رسید. لازم به ذکر است که کلیه دانشجویان شاهد و ایثارگر از تخفیف شهریه بهره‌مند گردیدند.

تجلیل از مقام والای شهداء

به منظور تجلیل از مقام والای شهدای دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه برنامه‌ای هفتگی برای دیدار با خانواده معظم شهدای دانشجوی تدارک دیده است. در همین راستا در فصل تابستان از خانواده‌های محترم 5 تن از دانشجویان شهید دانشگاه، شهیدان محمد رضا کبیری پور (رشته شیمی)، محمد باقر نجات ثابت (رشته تاریخ)، احمد رضا محسنیان (رشته معماری)، علی اصغر زرین قدم (رشته فلسفه) و کمیل میرزاده (رشته زیست‌شناسی) بازدید به عمل

آمد. در تمامی این دیدارها که مدیر کل امور شاهد و ایثارگر دانشگاه شخصاً حضور داشتند خانواده‌های این شهیدان، گروه بازدیدکننده را با آغوش باز پذیرفته و در این میان فضایی گرم و صمیمی حکمفرما بود. والدین یا خواهران و برادران این شهیدان ضمن یادآوری خاطراتی از شهدای این نکته را یاد آور شدند که اکنون وظیفه ما پاسداری از خون شهیدان و انقلاب اسلامی می‌باشد و ما باید طوری عمل کنیم که خون شهیدانمان پایمال نشود.



مادر شهید نجات ثابت



خانواده شهید محسنیان



خانواده شهید زرین قدم



مادر شهید میرزازاده

هنر آنست که بمیری
قبل از آنکه بمیرانفت

سید شهیدان اهل قلم
سید مرتضی آوینی

جشنواره و نمایشگاه فرهنگ ملل در دانشگاه شهید بهشتی

اولین نمایشگاه فرهنگ ملل همزمان با چهارمین سال برگزاری جشن دانش آموختگی دانشجویان غیر ایرانی از تاریخ 31/4/85 لغایت 2/5/85 در دانشگاه شهید بهشتی تهران برگزار گردید. این نمایشگاه که برای اولین بار در ایران به میزبانی دانشگاه شهید بهشتی بر پا شد، صبح روز شنبه 31 تیر ماه 85 توسط وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری و با حضور تنی چند از مسئولین این وزارتخانه، ریاست محترم دانشگاه شهید بهشتی و چند تن از مسئولین و اساتید دانشگاه افتتاح گردید.



پس از افتتاح رسمی این نمایشگاه حاضرین از غرفه های کشورهای شرکت کننده بازدید نموده و سپس در جشن دانش آموختگی دانشجویان غیر ایرانی که در تالار امام علی (ع) بر پا بود حضور یافتند.

در روزهای دوم و سوم برپایی این نمایشگاه سفیران برخی از

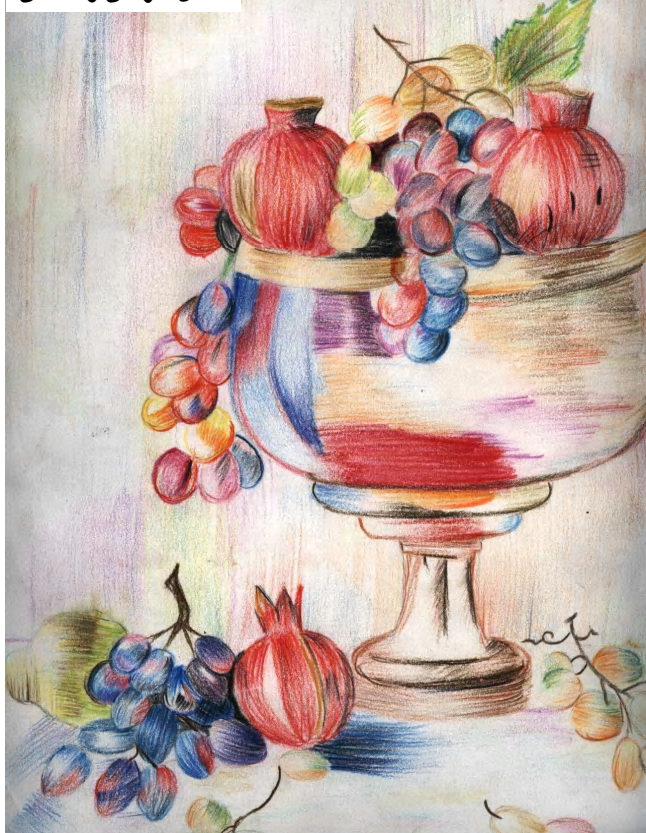
کشورهای شرکت کننده از جمله سفرای سودان و افغانستان از غرفه های این نمایشگاه بازدید کردند. از دیگر مهمانان برجسته آقای دکتر توکل دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران بود. با توجه به دمای بالای هوا و گرمای طاقت فرسا استقبال از این نمایشگاه در حد نسبتاً بالایی بود و بازدید کنندگان اظهار رضایت نموده و خواهان استمرار چنین حرکت هایی در آینده بودند. چرا که برپایی چنین جشنواره ها یا به قول برخی از میهمانان خارجی فستیوالهایی را باعث آشنایی هر چه بیشتر با فرهنگ و آداب و رسوم کشورهای مختلف و همچنین همبستگی و نزدیکی بیش از پیش با اقوام و ملل دیگر می دانستند.

فلسطین، لبنان، سودان، رومانی، اتیوپی و ... از جمله کشورهایایی بودند که با عرضه پوستر، کتاب، نشریات، لباسهای سنتی، غذاهای محلی و صنایع دستی و ... در غرفه های مخصوص به خود، فرهنگ، مذهب و آداب و سنن کشور خود را به معرض دید عموم گذاشتند. در ضمن کشورمان ایران نیز با غرفه ای مشترک، متشکل از روابط عمومی و امورشاهد وایثارگر، فرهنگ، مذهب، آداب و رسوم و ارزشهایی معنوی چون شهادت و ایثار را به نمایش گذاشت. عکسهایی از شهدای دانشجوی این دانشگاه، آثار و نشریات مربوط به آنها، نشریه داخلی ستاد شاهد وایثارگر، مدال ها، جامها و لوح های افتخار کسب شده در مسابقات مختلف فرهنگی و ورزشی توسط دانشجویان شاهد وایثارگر زینت بخش غرفه ایران بود. ضمناً در غرفه ایران عکسهایی از عالمان و فرزاندانی همچون استاد بیرشک، عکسهایی از جشنهای دانش آموختگی دانشجویان غیر ایرانی در سالهای گذشته، نشریات روابط عمومی دانشگاه و راهنمای گردشگری در ایران به زبان انگلیسی به چشم می خورد. همچنین لباسهای محلی، صنایع دستی، پوسترهایی

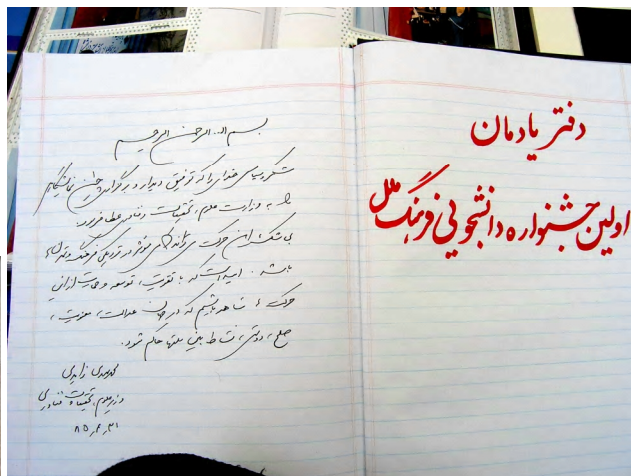
روزهای گرم تابستان و کلاسهای طراحی و نقاشی

از بهار 85 در ستاد شاهد و ایثارگر، کلاسهایی تحت عنوان "طراحی و نقاشی" تشکیل گردید. پس از گذشت 3 ماه با توجه به علاقه مندی هنرجویان و استقبال خوبی که از این کلاسها به عمل آمد مقرر گردید که این کلاسها در تابستان نیز برگزار گردد. لازم به ذکر است که جناب آقای عاطفی سلماسی کار تدریس در این کلاسها را بر عهده داشتند.

کلاس طراحی و نقاشی



مخصوص ایلات و عشایر ایرانی همراه با موسیقی و تصویر به بازدیدکنندگان عرضه شد.



مراسم اختتامیه نیز با حضور تنی چند از مسئولین وزارت علوم، مسئولین و اساتید دانشگاه شهید بهشتی در محل برپایی دانشگاه برگزار گردید. در انتهای این مراسم به غرفه های برتر جوایزی اهداء شد و از تک تک مسئولین غرفه ها نیز تقدیر و تشکر به عمل آمد. شایان ذکر است معاونت دانشجویی و فرهنگی و مسئولین دانشجویان غیر ایرانی برای برگزاری نمایشگاه و مراسم جشن دانش آموختگی دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه زحمات زیادی را متحمل شدند. این نمایشگاه که به مدت 3 روز بر پا بود بعد از ظهر روز دوشنبه دوم مرداد به کار خود پایان داد.

قرآن و مسئله تفکر

یکی از اصول تعلیمات قرآن کریم دعوت به فکر کردن و تدبیر کردن است؛ تفکر در مخلوقات خدا برای پی بردن به رازها و اسرار آفرینش، تفکر در احوال و اعمال خود برای وظیفه درست انجام دادن، تفکر در تاریخ و زندگیهای مردمی که گذشته اند و برای شناختن و پی بردن به سنن و قوانینی که خداوند برای زندگانی جماعات بشر قرار داده است.



تفکر اگر سطحی و پراکنده باشد کار آسانی است، اما فایده و اثر و نتیجه ای بر آن مترتب نیست؛ ولی اگر علمی و مبنی بر مطالعات دقیق و آزمایشها و حسابگریها باشد و یا لاقلاً انسان بخواهد آثار فکری مردان فکر و اندیشه را به دقت کامل مطالعه کند، کارمشکلی است، ولی در عوض بسیار مفید است و سرمایه بزرگ و ذخیره هنگفتی برای روح بشر به شمار میرود.

قرآن کریم موضوع تفکر را مطلق و مبهم نگذاشته است. مثلاً در آیه 164 از سوره بقره موضوعاتی برای مطالعه معین می کند و به مردم می گوید بروید کمر همت ببندید و در این موضوعات تحقیق و مطالعه کنید: ((ان فی خلق السموات و الارض اختلاف و اللیل و النهار...)) در اطراف آسمانها، در اطراف زمین، در اطراف گردش شب و روز مطالعه کنید؛ نظام کواکب و ستارگان را به دست بیاورید به زمین و طبقات آن و آثارش و عاملی را که سبب می شود در هر 24 ساعت وضع

زمین نسبت به خورشید یک تغییر کلی بکند و شب و روز پیدا شود بشناسید؛ در اطراف اینها مطالعه کنید. در همه اینها آیتها و نشانه هایی از حکمت و صنع باری تعالی است، اما برای کسانی که تعقل و تدبیر و تحقیق کنند و خلقت را بشناسند اگر کسی که شما خود او را ندیده اید کتابی تالیف کند و بعد نامه ای برای شما بنویسد و در آن نامه یاد آوری کند که اگر می خواهید مرا بشناسید کتاب مرا مطالعه کنید، و مخصوصاً فصلهایی از آن کتاب را در آن نامه معین کند و بگوید آن فصلها را کاملاً مطالعه کنید، واضح است که باید فصول آن کتاب را از روی تحقیق و دقت کامل با رجوع به معلم و استاد، کتاب لغت، یاد گرفتن حروف و الفبایی که آن کتاب با آن حروف و آن الفبا نوشته شده، یاد گرفتن زبان آن کتاب، آن کتاب را بخوانیم و مولف را که ندیده ایم از این راه بشناسیم. بدیهی است که به صرف نگاه کردن به پشت کتاب و جلد آن نمی توان مولف را شناخت. مطالعه سطحی عوالم وجود که مقرون به تحقیق و مطالعه دقیق علمی نباشد که علمای هر فن، علمای هیات و ستاره شناسی، علمای زمین شناسی، زیست شناسی، علمای معرفه النفس و ... به دست آورده اند مثل مطالعه پشت جلد کتاب است و کافی نیست. انسان چیز درستی نمی فهمد، برخلاف مطالعات علمی و تحقیقی اساساً تفکر، تجزیه و تحلیل معلوماتی است که انسان در ذهن خود اندوخته است. مایه تفکر علم است. می گویند امر به شی امر به مقدمه آن است. چون تفکر بدون علم و معلومات میسر نیست پس امر به تفکر، امر به سرمایه تفکر، یعنی کسب معلومات صحیح درباره مخلوقات هم هست. منظور این است که قرآن کریم نه تنها مردم را به تفکر تشویق کرده، بلکه موضوعات را در آیات زیادی معین کرده است.

بیست گفتار: استاد شهید مطهری

فاجعه هفتم تیر

در زمانی ملت بزرگ ایران هر روز سرزنده تر و بالنده تر برای اهداف عالیه نظام جمهوری اسلام به رهبری مقام معظم رهبری حماسه ای شکوهمند چون 27 خرداد و 3 تیر می آفریند . به راستی جای سید مظلوم انقلاب اسلامی که سینه ستبر خود را در برابر کینه بدخواهان قرار داد و مظلومانه فرو افتاد تا انقلاب



بایستد ، خالی است .

یک روز پس از سوء قصد به جان حضرت آیت ... خامنه ای در 6 تیر ماه 1360 در ساعت 20:30 دقیقه شامگاه روز یکشنبه هفتم

تیر ماه 1360 ، جلسه ای در سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی واقع در سرچشمه تهران برگزار شد . افراد حاضر در جلسه ، نمایندگان مجلس و برخی از اعضای هیئت دولت و بودند .

شهید بهشتی جملاتش را با این عنوان آغاز کرد : « ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ماه مهره سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند و » این آخرین کلمات آن بزرگوار بود که از لبان حق گوی ایشان بیرون تراوید .

ناکهان انفجاری مهیب روی داد و در کمتر از ثانیه ای از سالن اجتماعات حزب جمهوری اسلامی ، جز تلی از خاک ، چیزی نماند . حضرت امام خمینی (ره) پس از این حادثه فرمودند : « ملت ایران در این واقعه ، 72 نفر به عدد شهدای کربلا از دست داد . بهشتی خاری در چشم دشمنان اسلام بود . »
یادشان گرامی ، راهشان مستدام .

فاطمه شایسته

دانشجوی فرزند جانباز رشته جامعه شناسی

سالروز بمباران شيميايي سردشت (1366ش) :

روز مبارزه با سلاح های شيميايي و ميكروبي و

آرزوی صلح Wishing Peace

بر اساس مصوبه دهمین اجلاس کشورهای عضو سازمان منع سلاح های شیمیایی (OPCW) که در نوامبر 2005 در لاهه برگزار شد ، از این پس روز 29 آوریل (19 اردیبهشت) - سالروز لازم الاجرا شدن کنوانسیون سلاح های شیمیایی - به عنوان روز جهانی بزرگداشت قربانیان جنگ شیمیایی نامگذاری شده و گرامی داشته می شود .

از سال 83 هم روز هشتم تیر ماه به عنوان روز ملی مبارزه باسلاح های شیمیایی و میکروبی اعلام گردیده است .
در طول 8 سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران تمامی دنیا از کمک به عراق در این جنگ به صورت مکرر دریغ نکردند ، نقض حقوق بین الملل هم از سوی خود دولت عراق صورت می گرفت که از سلاح های شیمیایی و میکروبی در جنگ استفاده می کرد و هم از سوی کسانی که دولت عراق را با این گونه سلاح های ممنوعه مجهز می کردند . در تاریخ 7 و 8 تیر ماه 1366 ، هواپیماهای بمب افکن عراقی با بمب های شیمیایی به چهار نقطه پر ازدحام و متراکم جمعیتی شهر سردشت حمله کردند و زن و کودک و خرد و کلان مردم بی گناه آن شهر و اطراف آن را آماج گازهای کشنده و دهشتناک شیمیایی قرار دادند .

0 حملات شیمیایی این رژیم علیه سربازان ایرانی در طول جنگ همواره ادامه یافت و این امر در حالی بود که دولت عراق خود به تنهایی توان ساخت سلاح های میکروبی و شیمیایی را نداشت . رسانه های غربی در بسیاری موارد به دست داشتن در تجهیز

عراق به سلاح های شیمیایی ، میکروبی و هسته ای اعتراف کرده اند .)

در جنگ تحمیلی 8 ساله علیه ایران ، رژیم عراق با بهره گیری از چالش های میان تهران و واشنگتن با تحریک کاخ سفید و با



هدف رسیدن به امیال خود ، مرزهای غربی کشورمان را مورد تاخت و تاز قرار داد . این جنگ از بسیاری جهات ، با سایر نزاع های چند سال اخیر متفاوت بوده است . استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی در این جنگ از سوی عراق یکی از پارامترهاست که هیچ گاه به این وسعت در هیچ نزاع منطقه ای به کار نرفت .

اولین استفاده ارتش عراق از سلاح شیمیایی در جنگ : 27 مهر 1359 (در منطقه جنوب استان خوزستان) بود.

امید است با اقدامات موثر در سطح ملی و بین المللی و تدوین و اجرای صحیح و بدون تبعیض قوانین ومقررات ذیربط بتوان قدم موثری در مقابله با توسعه ، تولید و کاربرد سلاح های شیمیایی ومیکروبی برداشت و از این راه امنیت مردم را در سراسر دنیا در مقابل این گونه سلاح های مخرب وکشتار جمعی تامین نموده و زمینه لازم را برای استفاده صلح آمیز از تجهیزات ، عوامل بیولوژیک ، اطلاعات و دانش فنی مربوط در جهت اهداف بشر دوستانه فراهم نمود .

فاطمه شایسته

تو بوی بهشتی که در رگهای زمان جاریست ، باید باورت کرد

« تو بوی بهشتی جاری در رگهای زمان »

زهرا کولیوندی
دانشجوی رشته روانشناسی

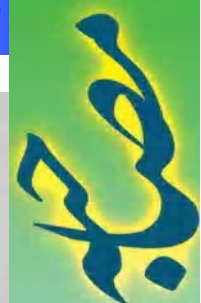


کمیتة تخصصی امور زنان و دختران دانشجو

گروه مطالعات زنان دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی ، نشست های کمیتة تخصصی امور زنان و دختران دانشجو را در محل معاونت فرهنگی و اجتماعی برگزار می کند . هدف از تشکیل این کمیتة مساله یابی امور زنان و دختران دانشجو و تبیین فرصت ها و تهدیدهای این قشر از جامعه دانشگاهی است و اعضای آن را صاحب نظران دانشگاهی و مدیران اجرایی در حوزه امور زنان تشکیل می دهند . بررسی آسیب های روانی و اجتماعی ، برنامه ریزی اوقات فراغت دانشجویان ، ارائه طرح آموزش مهارت های زندگی ، رسیدگی به مسائل و مشکلات اقتصادی ، تشکیل پرونده سلامت جسمی — روانی ، اجرای طرح نیاز سنجی ، از مهم ترین برنامه های این کمیتة برای دانشجویان دختر معرفی شده است . هدف از تشکیل این جلسات ، دست یابی به راهکارهای اجرایی به منظور رفع نیازها و مشکلات زنان و دختران در عرصه جامعه دانشگاهی است .

بی بهانه :

تقدیم به شهدای گمنامی که هستند بسته به باور من و تو ؛ در هیاهوی آرام زندگی خسته از التماس تکرار حیات، بی اختیار به خاکریز دلم می گریزم، عاشقانه زانو می زنم . هیچ نمی پرسم . آرامشی عجیب سراپای وجودم را می شوید ، آنگاه که تهی می شوم از اشک و وسوسه ، آری همانجاست که حس می کنم . بوی زمزمه های عاشقانه ات را که با بوی اشک و باران پیوند خورده می بینم ، با صدایت بر می خیزم ، تمام وجودم بوی باران می دهد و من اینگونه تو را یافتم تا دیگر نپندارم نیستی و گم شده ای ، اکنون پیداتر از همیشه ای .



— بنده منیژه قره چه ، عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری و به عنوان معاون آموزشی دانشکده مشغول فعالیت هستم و از همان دوره های اولی که ستاد شاهد و ایثارگر قصد اجرای برنامه های ویژه برای دانشجویان شاهد و ایثارگر را داشت ، من از اولین نفراتی بودم که به عنوان استاد مشاور آموزشی انتخاب شدم .

در آغاز حوزه کاری من درستاد شاهد و ایثارگر مربوط به دانشجویان رشته مدیریت بازرگانی بود ولی در حال حاضر دختران کلیه رشته های دانشکده را در بر می گیرد .

*** در مورد سهمیه دانشجویان شاهد و ایثارگر و وضعیت**

تحصیلی آنان چه نظری دارید؟

— ممکن بود در دوره های اول که بچه ها با سهمیه وارد می شدند ، به لحاظ شرایط سنی تفاوتی بین هوش ، درک ، استعداد و فعالیتها وجود داشت ، اما در حال حاضر تفاوت چندانی بین بچه ها وجود ندارد . در آن دوران کسانی که از سهمیه استفاده می کردند ، در سنین بالایی بودند و به علت فاصله سنی زیاد آنها با دانشجویان عادی این طور به نظر می رسید که افرادی که از طریق سهمیه وارد می شوند ، از کیفیت پایین تری برخوردارند ، اما در حال حاضر چون این مشکل تا حد زیادی رفع شده است ، ما از این لحاظ مشکلی با دانشجویان نداریم .

برای خود بنده سر کلاس هیچ فرقی بین دانشجویان وجود ندارد ، اما در بحث های مشاوره و زمانی که این دانشجویان مشکلات ویژه ای دارند ، توجه به آنها بیشتر است و موارد آموزشی این دانشجویان دقیق تر بررسی می گردد . از ابتدا ، این پیگیری انجام می شود که اگر ضعفی در این بچه ها وجود دارد ، زودتر تشخیص داده شود تا بتوانیم جلوی این

استاد مشاور درسی دانشجویان شاهد و ایثارگر

دکتر منیژه قره چه دکتر مدیریت بازرگانی از دانشگاه هند که هم اکنون عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و حسابداری و معاون آموزشی می باشند که به عنوان استاد مشاور آموزشی با ستاد همکاری دارند ، از استاد گرامی که صمیمانه این گفتگو را پذیرفتند سپاسگزاریم . آنچه در ادامه می خوانید حاصل گفتگوی ما با استاد می باشد .

*** لطفاً ضمن معرفی خودتان از نحوه و سابقه همکاری خود با**

ستاد بفرمائید :

ارتباط این ستاد را با دانشجویان چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

— فعالیتهای ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی پر رنگ تر از جاهای دیگر است و به شکل فعال تری عمل می‌کند . از نظر حضور استادان مشاور یا حل مشکلات آموزشی دانشجویان ، ستاد بدون هیچ گونه کاستی ، سعی در حل مشکلات دانشجویان دارد ، وضعیت آموزشی دانشجویان دائماً در حال بررسی است و در صورت لزوم ، کلاس های جبرانی که ستاد برگزار می‌کند تا حد زیاد ضعف های آموزشی را از بین می‌برد . به جز مسائل آموزشی ، هر وقت ما بچه هایی را که از لحاظ روحی و روانی دچار مشکل هستند به ستاد معرفی کرده ایم ، با روی باز از ما پذیرفته اند و مشاوره لازم را به آنها ارائه داده اند .

نظر شما در خصوص انفعال و بی انگیزگی دانشجویان بعد از ورود به دانشگاه چیست ؟ و ستاد چه نقشی را می‌تواند ایفا کند ؟

— چرا باید دانشجویی که از مدتها قبل تلاش کرده و وقتی را که می‌توانسته برای تفریحات دیگرش بگذارد صرف درس خواندن کرده و با این سیستم کنکور در کشور ما وارد دانشگاه شده دچار بی انگیزگی شود؟ این دانشجو باید انگیزه قوی داشته باشد که این همه تلاش کرده . حالا چرا وقتی وارد دانشگاه می‌شود فکر می‌کند همه چیز تمام شده و خروجش از دانشگاه مشکلی ندارد ، در صورتی که ما هر ترم موارد متعددی از مشکلاتی از این دست را در بین کلیه دانشجویان حتی دانشجویان عادی می‌بینم . به اعتقاد من دلیل

ضعف را بگیریم . به نظر من اگر بچه ها از همان ابتدای ورود مشکلات خانوادگی نداشته باشند و بر شرایط آموزشی آنها سایه بیندازد ، مشکلی از لحاظ تحصیلی پیدا نمی‌کند . با توجه به این که من هم به عنوان استاد و هم به عنوان مشاور آموزشی از نزدیک با آنها در ارتباط هستم ، این دانشجویان به لحاظ هوش و استعداد در سطح پایینی نیستند و مشکلات دیگر از جمله مشکلات مربوط به شرایط زندگی است که آن ها را از لحاظ تحصیلی دچار مشکل می‌کند .

در خصوص سهمیه ورود این دانشجویان نیز ، استنباط من این است که این هم مربوط به حق بچه هاست و بچه ها باید از این حق استفاده کنند .

در هر جامعه ای ، ممکن است یک سری حقوق به افرادی تعلق بگیرد و این هم حق این بچه هاست ، و وقتی با چیزی که این بچه ها از دست داده اند مقایسه می‌کنیم ، چیزی که در مقابل به آنها می‌دهیم ، شاید قطره ای از دریا باشد .

سالانه چند درصد از ورودی های شما را دانشجویان شاهد و ایثارگر تشکیل می‌دهند ؟

— این نرخ در سال های مختلف متفاوت است ، مثلاً اگر در یک سال 200 نفر ورودی داشته باشیم حداکثر ، 10 ، 12 یا 15 نفر ، بچه های شاهد و ایثارگر هستند که این تعداد مازاد بر ظرفیت رسمی ما می‌باشد ، بعضی از سال این رقم ممکن است حدود 5 تا 6 درصد هم باشد .

فعالتهای ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی و

فعالیت‌های فرهنگی و جو حاکم بر دانشگاه را چگونه

ارزیابی می‌کنید ؟

— البته محیط بی‌تأثیر نیست ، اگر محیط پرجنب و جوش باشد ، دانشجوی هم وقتی وارد محیط می‌شود به نحوی به فعالیت کشیده می‌شود ولی شاید بچه‌های شهید بهشتی موضوعات متفاوتی از دانشگاه‌های دیگر را دنبال می‌کنند . در دانشگاه‌های دیگر موضوعات فرهنگی که مدنظر چرخانندگان آن محیط بوده به نحوی شفاف و برجسته شده است و شاید در دانشگاه ما این پروسه بزرگ‌نمایی انجام نمی‌گیرد که در نتیجه فعالیت‌های دانشجویانمان هم به چشم نمی‌آید . فعالیت‌های فرهنگی در ارتباط با فعالیت‌های آموزشی به معنی مورد نظر ما خیلی کمک‌کننده نیست اما از این نظر دید بچه‌ها را باز می‌کند به خاطر این که به بچه‌ها یک سری آگاهی‌هایی داده می‌شود و علاوه بر تأثیری که در درک آنها دارد ، در تجزیه و تحلیل مسائل ، دانشجوی را یاری می‌دهد و از این لحاظ نمی‌توانیم این فعالیت‌ها را از نظر دور بداریم ، اما بعضی مواقع می‌بینیم بچه‌هایی که وارد این فعالیت‌ها می‌شوند ، هدف اصلیشان را فراموش می‌کنند ، ولی کمتر دانشجویی را می‌بینیم که در زمان تحصیل این فعالیت‌ها را حداقل برای مدت کوتاهی نداشته باشد ، البته باید دید تعادلی بین برنامه‌ها ایجاد می‌کند یا نه . اما به طور کلی بسیاری از دانشجویان بهشتی که به دانشگاه‌های دیگر رفته‌اند ، بسیار راغب هستند که دوباره به این دانشگاه برگردند . البته شاید جو حاکم بر دانشکده برای بچه‌ها جذاب است ، چون آنها بیشتر با دانشکده در ارتباط هستند ، روش معمول ما بر این است که با بچه‌ها دوست و صمیمی باشیم ، اگر قرار است راهنمایی کنیم ، از طریق دوستی این کار را انجام دهیم .

این امر برداشت غلطی است که دانشجو قبل از ورود به دانشگاه از آن داشته است . به نظر من نقشی که ستاد می‌تواند ایفا کند ، تصحیح این برداشت دانشجویان است . و برای این کار ستاد باید جلساتی را به طور منظم ترتیب دهد و از همان ابتدا ، مباحثی پیش بیاید که نگرش بچه‌ها نسبت به دانشگاه تصحیح شود و پس از این بچه‌ها خودشان مسیر را تشخیص خواهند داد و تصمیم‌گیرنده خواهند بود . نه اینکه فقط در ابتدای ورود یک جلسه معارفه برای دانشجویان بگذاریم و دیگر آنها را رها کنیم .

اگر تصحیح برداشت دانشجویان از دانشگاه را به عهده خودشان بگذاریم ، هرگز به این سمت نمی‌آیند چون علاقه مند نیستند چیزی را که در مورد آن فکر می‌کنند تغییر دهند .

اگر افراد از دیدگاه‌ها و جنبه‌های متفاوت با آنها برخورد کنند و مشاورین از فیلدهای متفاوت باشند (روانشناس ، اقتصاددان ، مهندس و) برای دانشجویان جذابیت بیشتری دارد و دانشجوی احساس نمی‌کند که مشاور می‌خواهد نظر خود را تحمیل کند . علاوه بر این اگر ، اساتید مشاور شاهد وایثارگر ، افراد مورد علاقه بچه‌ها باشند . به میزان قابل توجهی از استرس بچه‌ها کاهش می‌یابد ، چون همین که دانشجوی به مشاور مراجعه می‌کند و حرف دلش را می‌زند ، این باعث می‌شود که دانشجوی تخلیه شود و به همین میزان استرسش کم می‌شود و کنترل وضعیت برای خودش راحت‌تر می‌گردد . پس شرط این است که بچه‌ها ، مشاور را قبول داشته باشند و به او اعتماد کنند که صحبت‌های آنان را جایی بازگو نکند .

دوره اش گذشت ، احتمال این که این شرایط دوباره پیش بیاید بسیار کم است .

حالا که تلاش کردند و خواست خداوند با اینها بوده که وارد دانشگاه شوند ، از تحصیلات دانشگاهی به نحو احسن استفاده کنند و دوره های بعدی را هم با موفقیت طی کنند تا به سطح مطلوب خود برسند .



فاطمه شایسته

به جای این که به دانشجوی حکم کنیم که کاری را انجام دهد و او احساس کند که ما می خواهیم چیزی را به زور به او بقبولانیم . و همین باعث می شود که محیط دانشگاه ما برای دانشجویان مطلوب تر از دانشگاههای دیگر باشد .

*** به اعتقاد شما دانشجویان بعد از فارغ التحصیلی تا چه حد آماده ورود به بازار کار هستند ؟**

— بستگی به رشته دارد ، دانشجویان بعضی از رشته ها در حین تحصیل فقط آموزش تئوریک را دیده اند اما در بعضی رشته های دیگر ، دانشجویان از همان ابتدا وارد بازار کار می شود ، دانشکده ما یکی از دانشکده هایی است که هر دو این آموزش ها به طور همزمان در آن ارائه می شود ، و بیشتر دانشجویان ما از سال سوم به بعد به نحوی وارد بازار کار می شوند و به همین علت است که در پایان تحصیلات مشکلات کمتری نسبت به دانشجویان رشته های دیگر دارند .

*** به عنوان کلام آخر ، چه صحبتی با دانشجویان شاهد و ایثارگر دارید ؟**

— هر چه بچه های ما قوی تر در علم باشند شانس رسیدن به محیطی که برای آینده کشورمان پیش بینی می کنیم ، بیشتر می شود .

چیزی کهمن همیشه از این دانشجویان می خواهم این است که به دنبال وضعیت بهتری نسبت به گذشته باشند و از شرایطی که برایشان ایجاد می شود استفاده کنند

، د ر غیر این صورت بعد ها پشیمان می شوند ، چون وقتی

با نزدیک شدن به ایام امتحان خواندن مطالب زیر
توصیه میشود :

” گوش دادن اثر بخش ”

” کلاس مکانی برای یادگیری و گوش کردن است ”

« ویلیام آرمسترانگ »

گوش کردن یکی از بهترین مهارتهایی است که با پرورش آن شما می توانید کارایی خود را در درس افزایش دهید این مهارت بعد از خواندن ، یکی از مشکل ترین مهارتها است .

یک عادت خوب : خوب گوش کردن در کلاس

• در کلاس مطالب درسی را دنبال کنید - به رویا فرو نروید و خیال بافی نکنید .

• اگر حرف بزنید مطمئناً نمی توانید گوش کنید .

در هنگام گوش کردن در کلاس قلم به دست باشید و نکات مهم را یادداشت کنید .

قبل از کلاس :

— راجع به مطالب درسی جدید فکر کنید .

— نکات مهم جلسه ی گذشته را به یاد آورید (دوره کنید) .

— تکالیف خود را انجام دهید .

در کلاس :

— آنچه را قبلاً یاد گرفته اید با مطالب جدید ارتباط دهید .

— آیا شما راجع به موضوع درس اطلاعات اضافی دارید .

— در طی درس چه چیزی به ذهن شما می آید .

— نکات مهم درس را یادداشت کنید .

— در صورت امکان روی نیمکت های جلوی کلاس بنشینید ،

هرچه جلوتر باشید بهتر میتوانید گوش کنید .

بعد از کلاس :

— مطالب درسی و یادداشت هایتان را دوره کنید .

— بعضی ها دوست دارند یادداشت هایشان را پاکنویس کنند ،

اما سعی کنید برای این کار وقت زیادی اختصاص ندهید .

— هنگام دوره ، زیر نکات مهم خط بکشید .

— خوب گوش کردن به معنی توجه کردن است .

— تمام آنچه را که گفته می شود بشنوید نه آنچه را که دوست

دارید .

— آنچه را که می شنوید با آنچه از قبل می دانستید ربط دهید .

— نکات مهم درس را تشخیص دهید .

— سعی کنید نکات مهمی که ممکن است سوال امتحان باشد را

تشخیص دهید .

— صحبت های استاد را دنبال کنید (حدس بزنید صحبت ها ی

بعدی او چه خواهد بود) .

— با دقت به آنچه استاد راجع به تکلیف درسی می گوید گوش

کنید در صورت نیاز آن را یادداشت کنید .

* به دقت گوش کنید و به دنبال عبارات کلیدی استاد

باشید و به آن اهمیت دهید ، (عباراتی چون این مطلب مهم

است مهم است بدانید که لازم است این مطلب را برای

امتحان بدانید)

* به خاطر بسپارید که گوش کردن با شنیدن متفاوت است

شما می توانید هر چیزی را بشنوید اما به آن گوش نکنید یا از

یک گوش بشنوید و از گوش دیگر بیرون کنید !

• برای گوش کردن باید فکر کنید و فعال باشید نه

منفعل .

• ” واحد مشاوره ”

« ط. بطحایی »

شخصیت و انواع آن :

انسان همواره با این سوال روبه رو بوده است که چرا او این گونه فکر ، علم و احساس می کند ؟ چرا در پاسخ به یک موقعیت واحد دو نفر به شیوه متفاوت عمل می کنند ؟ چرا یکی پرخاشگری خود را آشکار کرده و دیگری آن را بازداری می کند ؟ چرا یکی شجاع و نترس و دیگری ترسو است ؟ چرا ما با خواهرها و برادرهای خود با اینکه در یک محیط پرورش پیدا کرده ایم تا اندازه زیادی تفاوت داریم ؟ چرا یک نفر در زندگی از نظر ازدواج ، شغل و ارتباط با دوستان فرد موفق محسوب می شود در صورتی که شخص دیگری با همان امکانات در این امر شکست می خورد ؟ شکی نیست که نیاز به شناخت خود و کنجکاوای درباره انگیزه ها و ترسها در اکثر افراد وجود دارد لذا مطالعه شخصیت می تواند حداقل نقطه آغاز مناسبی برای تکلیف مشکل و طولانی خود شناسی باشد همچنین یکی از دلایل مطالعه نظریه شخصیت مربوط به کاربرد عملی آنهاست صرف نظر از شغلی که دارید شما برای دیگران و یا در کنار دیگران کار می کنید . مسلماً آگاهی از شخصیت انسانهایی که در کارتان با آنها سر و کار دارید زمینه ساز بهبود کیفیت روابط بین فردی شما که عامل موفقیت در کار و اجتماع است می گردد . هنر خوب زیستن در کنار دیگران همانند داشتن مهارت فنی و یا توانایی مدیریت در پیشرفت و ترقی انسان نقش بسزایی دارد . روان شناسان معتقدند که شخصیت هر فرد بی همتاست یعنی گذشته از شباهت هایی که بین مردم وجود دارد و هر کسی از ویژگیهای منحصر به فردی برخوردار است که او را از دیگران متمایز می کند. بدین ترتیب در زندگی روزمره شخصیت را به عنوان مجموعه ویژگیهای پایدار و بی همتایی در نظر می گیریم

که البته ممکن است در پاسخ به موقعیت های مختلف تغییر کند .

منظور ما از شخصیت ، الگوهای معینی از رفتار و شیوه های تفکر است که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می کند . در اینجا منظور از الگوهای معین (همسانی رفتار است) برای مثال شما حتما کسی را می شناسید که صرفنظر از اینکه تا



چه اندازه او را تحریک کنند به ندرت خشم از خود نشان می‌دهد. و دیگری را می‌شناسید که به کوچکترین تحریک عصبانی می‌شود.

شخصیت اجتماعی هر کس شامل حرکات ظاهری (مانند طرز سخن گفتن، نحوه راه رفتن، خلق و خوی کلی و نحوه واکنش در برابر شرایط تهدید کننده) و همچنین نگرشهای مشاهده شده و بسیاری از واکنشهای دیگر است. همچنین شخصیت دارای جنبه خصوصی و نا آشکار نیز می‌باشد. جنبه خصوصی شخصیت شامل تخیلات، تفکرات و تجربی است که شخص نمی‌خواهد دیگران را در آنها سهیم کند آرزوهایی که به نظر تان کودکانه تر و یا خجالت آورتر از آن بوده که آشکار کنید یا خاطراتی که فقط در ذهن خودتان می‌ماند بخشی از شخصیت

خصوصی شماست. از آنجا که شخصیت خصوصی به دشواری قابل مطالعه است لذا روان شناسان توجه خود را به مطالعه شخصیت اجتماعی متمرکز کرده و توصیف شخصیت خصوصی را با روش‌های ابداعی خود انجام می‌دهند.

آیزنک یکی از نظریه پردازان شخصیت است. او معتقد است که شخصیت مجموعه ای از الگوهای رفتارهای واقعی یا بالفعل است که توسط وراثت و محیط تعیین می‌شود.

آیزنک در تحقیقات تیپ شناسی خود چهار عامل درونگرایی - برونگرایی - روان رنجوری - بهنجاری را بدست آورد.

درونگرایی: تحقیقات نشان داده که درون گرایان تحت تاثیر سیستم اعصاب مرکزی قرار دارند، استعداد ذاتی آنها برای تحریک پذیری زیاد است از محرکها اجتناب می‌کنند و بیشتر درخود می‌روند و خیال پرورند علاقه ای به شرکت در

فعالیت‌های اجتماعی ندارند گوشه گیر و انزوا طلبند میزان هوششان بالا است در کارها معمولاً دقیقند ولی با احتیاط و آهسته عمل می‌کنند زیان طلبند سریعتر به محرکها پاسخ می‌دهند. حافظه بلند مدت قوی تری نسبت به برون گرایان دارند برای مدت طولانی تری می‌توانند به مطالعه فردی بپردازند.

برونگرایان: تحقیقات نشان داده که برونگرایان استعدادشان برای تحریک پذیری کم است یعنی حساسیت کمتری در برابر محرکها دارند آنها فاصله زمانی را کوتاهتر از درونگرایان حس می‌کنند و به دنبال کارهای تحریک آمیز هستند هوششان نسبتاً کم است در کارهایشان شتابزدگی و انعطاف زیاد است برونگرایان عجولند تمایل به تازگی و نوظهوری دارند عملکرد آنها همراه با هیجانشان زیاد می‌شود و اوقات بیشتری را با دیگران صرف می‌کنند.

رفتارهای قالبی حرفه ای دارای اعتبار و معانی مهم روانشناختی و جامعه شناختی هستند درست همان طور که ما درباره مردم از روی دوستانشان، لباسهایشان و اعمالشان قضاوت می‌کنیم می‌توانیم از روی حرفه شان درباره آنها قضاوت کنیم مثلاً هنرپیشه ها خود محور، فروشنده ها چرب زبان، حسابدارها دقیق و دانشمندان غیر معاشرتی هستند.

هالند افراد را بر اساس شباهتشان به یکی از شش تیپ شخصیتی طبقه بندی کرد.

تیپ 1- واقع گرا	تیپ 4- اجتماعی
تیپ 2- جستجوگر	تیپ 5- متهورانه
تیپ 3- هنری	تیپ 6- شخصیتی

قراردادی

تیپ 1- واقع گرا: این افراد فعالیت‌هایی را ترجیح می‌دهند که پیامد آن سرو کار داشتن مرتب یا منظم باشیا، ابزار

وساشرن هاست . از فعالیتهای آموزشی یا درمانی اجتناب می کنند این افراد تمایل دارند که صلاحیت های علمی ، مکانیکی ، کشاورزی ، الکترونیکی و فنی کسب نمایند . مشاغل یا موقعیت های واقع گرایانه مثل مهندسی برق را ترجیح می دهند (غیر اجتماعی ، رک و سر سخت). این افراد مادی اهل عمل و انعطاف ناپذیر هستند .

تیپ شخصیتی 2- جستجوگر : این افراد فعالیتهایی را ترجیح می دهد که پیامد آن بررسی و کشف پدیده های فیزیکی ، زیست شناختی و فرهنگی به منظور فهم و کنترل این پدیده هاست . متمایل به کسب مدارج و صلاحیت های علمی و محاسباتی هستند . توانائیهای علمی و ریاضی در این ها زیاد است فاقد توانائیهای رهبری هستند. تحلیل گر ، هوشیار ، منتقد ، روشنفکر ، درونگرا ، بدبین ، دقیق و فروتن هستند .

تیپ شخصیتی 3- هنری : این افراد فعالیتهایی را ترجیح می دهند که پیامد آن فعالیت های پیچیده آزاد غیر منظم که شامل سرو کار داشتن با مواد فیزیکی، کلامی یا انسانی برای خلق اشکال هنری است. متمایل به کسب مدارج و صلاحیت های هنری هستند. مبهم ، نامنظم ، عاطفی ، خیالپرداز ، آرمانگرا، مستقل ، حساس و آزادمنش هستند.

تیپ شخصیتی 4- اجتماعی : این افراد فعالیتهایی را انتخاب می کنند که پیامد آن اداره کردن دیگران به منظور آگاهاندن تعمیم رشد، درمان یا راهنمایی آنان و اجتناب از فعالیتهایی که مستلزم کار با ابزار یا ماشین است. این افراد برای مسائل و فعالیتهای اجتماعی و اخلاقی ارزش زیادی قایل هستند (صبور ، مهربان ، مسلط ، اهل همکاری ، مسئول و فهمیده هستند).

تیپ شخصیتی 5- متهور: این افراد فعالیتهایی را انتخاب می کنند که مستلزم اداره کردن دیگران برای رسیدن به اهداف

سازمان یا به دست آوردن درآمد اقتصادی است . این افراد تمایل دارند که صلاحیت هایی در زمینه رهبری و مدیریت به دست آورند (زیاده طلب ، ماجراجو ، سلطه جو ، بالارژی ، هیجان طلب ، خوش بین و معاشرتی هستند).

تیپ شخصیتی 6- قراردادی : این افراد فعالیتهایی را ترجیح می دهند که پیامد آن فعالیت ساده سرو کار داشتن مرتب و منظم با داده ها مانند نگهداری پرونده ها، بایگانی مطالب ، تکثیر مطالب، تنظیم اطلاعات نوشتاری و عددی بر طبق نقشه تعیین شده است . محتاط ، همرنگ ، کار آمد ، مطیع ، انعطاف پذیر ، صرفه جو و اهل عمل هستند .

منابع:

زمینه روان شناسی ؛ (هیلگارد) ترجمه براهنی و همکاران، انتشارات رشد

نظریه های شخصیت؛ (شولتز ذوان) ترجمه یوسف کریمی و فرهاد جهری ، انتشارات ارسباران

حرفه مناسب شما چیست؟؛ (هالند جان. ال) ترجمه سیمین حسینیان ، سیده منور یزدی ، انتشارات ترجمین

واحد مشاوره (ط - بطحایی)



از جوانان کشورم می‌خواهم که گدایی عشق را نکنند. در وجود هر کسی عشقی به زلالی آب چشمه به ودیعه گذاشته شده، کافی است سرچشمه را پیدا کنیم. هر کسی به عشق فکر می‌کند، انسان زاده عشق است. من فکر کردم و دیدم عشقم را به انسان‌های زیادی می‌توانم هدیه کنم. دیدم عشق من می‌تواند دل چندین کودک یتیم و بی‌سرپرست را شاد و گرم کند. من

طعم هر لحظه را می‌چشم

چند سال پیش در جبهه یک پایم را جا گذاشتم، اما این باعث نشد در جا بزنم، سعی کردم از این وضعیت نهایت استفاده را ببرم. من هر روز پله‌های محل کارم را با یک پا پشت سر می‌گذارم و به این باور رسیده‌ام که حتی نداشتن یک پا، نمی‌تواند مانعی برای پیشرفت من شود، من هر روز این مسیر را طی می‌کنم هر چقدر هم به نظر سخت بیاید! بعضی وقتها به این فکر می‌کنم که چند نفر از همکارانم می‌دانند که این اداره چند پله دارد؟ یا اصلاً چند نفر هستند که تعداد پله‌های منزلشان را می‌دانند؟ شاید بعضی‌ها فکر کنند تعداد پله‌ها چه اثری در زندگی دارد؟

اما من با هر پله‌ای که بالا می‌آیم، توانایی، قدرت و استقامتم را به خودم یادآوری کرده و حضور و لطف خدا را حس می‌کنم. با هر پله‌ای که بالا می‌آیم، یک ذکر می‌گویم، یک عبارت مثبت بر زبان می‌آورم و این یعنی از لحظه لحظه استفاده کردن.

اما خیلی‌ها هستند آنقدر عجله دارند که متوجه نمی‌شوند چطور بالا آمده‌اند، دو پله یکی می‌کنند تا زودتر به مقصد برسند، دریغ از این که هر لحظه، مقصد خاص خودش را دارد. خداوند به من لطف بزرگی کرد، لطفی که خیلی‌ها از آن بی‌نصیب مانده‌اند، خدا به من لطف کرد که قدم‌هایم کمی آهسته‌تر باشد تا هر لحظه را درک کنم و طعم هر لحظه را بچشم و حسرت از دست دادن لحظه‌ها را نخورم. چون آن قدر در لحظه زندگی کرده‌ام و نهایت استفاده را برده‌ام که حسرتی برای از دست دادن ثانیه‌ای باقی نمی‌ماند.



شاید نتوانم صاحب فرزندی بشوم اما به پرورشگاه دیدن کودکان یتیم و دل نازک و لطیف می روم و عشق و مهرم را با تمام وجود تقدیم آن ها می کنم و باز هم خدا را به خاطر موهبتی که نصیبم کرده شکر می گویم . از شما خوانندگان عزیز سوالی دارم :

چند نفر را می شناسید که حتی از نداشته هایشان سپاسگزاری می کنند ؟ چند نفر را می شناسید که اعضای بدنشان را نوازش کنند و از آنها به خاطر وجودشان سپاسگزاری می کنند ؟

من این کار را می کنم ، من جای خالی پایم را نوازش می کنم و سپاس می گویم . من نوک پایم را نوازش می کنم و هر شب به خاطر این که در طی روز وزن من را تحمل کرده و مرا همراهی می کند ، تشکر می کنم . از همه اعضای بدنم تشکر می کنم . و باز هم خدا را شکر می کنم که این موهبت را نصیب من کرد که از ذره ذره وجودم سپاسگزار باشم . شاید برای خیلی ها نداشتن یک پا فاجعه به نظر بیاید اما برای من سراسر برکت است . من یک پا ندارم اما لحظه ها را دارم ، عشقی به وسعت تمام هستی دارم ، سلول به سلول وجودم را حس می کنم ، من زندگی را دارم ، من زنده ام .

* خواستم به جوانان کشورم بگویم قدر زندگی را بدانند و به دنبال بهانه های مثبت زندگی باشند .*

شبیه باران

گزیده‌هایی از زندگی و جهاد و ایثار

سردار شهید سرتیپ پاسدار حاج صفدر رشادی (ره)

سردار شهید حاج صفدر رشادی (رشاد) در روز پنجم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و چهل خورشیدی، در خانواده ای محب اهل بیت (ع) و انقلابی دیده به جهان گشود؛ روزگار کودکی سردار شهید، مقارن بود با دوران تحصیل پدر در حوزه و آغاز مبارزات حضرت امام خمینی (س)، از این رو از آغاز زندگی، جان چالاک و روح بلند او با زهد و ساده زیستی، جهاد و ایثار انس گرفت. پدر روحانی و مادر پاکدامن وی نیز او را با عشق به تعالیم اهل بیت (ع)، شوق به دانش و دیانت، و روح مبارزه با ستمکشان پروردند.

شهید رشادی که از عهد طفولیت دارای استعدادی سرشار بود، پیش از دبستان قرائت قرآن را نزد پدر فرا گرفت، مهر ماه یکهزار و سیصد و چهل و شش وارد دبستان یغما جندقی (تهران، خیا بان قلعه مرغی) شد؛ در سال یکهزار و سیصد و پنجاه و پنج، تهران را به شوق فراگیری علوم دینی ترک کرد و وارد حوزه علمیه قم شد و در مدرسه سَنِّیه که اقامتگاه و نمازگاه حضرت معصومه (س) طی مدت کوتاه اقامت آن بانوی بزرگوار در قم بود - سکونت گزید و مشغول به تحصیل گشت. اهانت به ساحت حضرت امام (س) در نوزدهم دی ماه پنجاه و شش خشم اقشار ملت به ویژه مدرسان و طلاب حوزه را برانگیخت، صفدر جوان نیز همچون هزاران طلبه دیگر به همراه خیل مردم قم و سراسر کشور، دست اعتراض و حنجره فریاد گشود؛ و این نقطه آغاز مبارزات بی امان وی با رژیم ستمشاهی بود؛ او پس از آن روز سیاه که به سپیدی انقلاب شکوهمند



اسلامی انجامید، لحظه ای آرام نگرفت و هرگز از پای ننشست. در انتقال پیامهای حضرت امام (س) و بیانیه ها و جزوات انقلابی، از تهران به قم و بالعکس، فعالیتهای فرهنگی هنری برای روشنگری و بسیج جوانان و نوجوانان محلات جنوب غرب تهران نقش فعال و موثری داشت. وی همواره با تهور تمام در تظاهرات و جنگ و گریز با ماموران رژیم شاه حضور می یافت و در سال پنجاه و هفت در درگیریهای خیابانی مورد

که قاطعیت همراه با مهربانی و منطق، صفت بارز سردار است. او از بنیانگذاران یگان موشکی سپاه بود که در سالهای مظلومیت شهرها و غربت جبهه‌ها، سرنوشت جنگ را به نفع نیروهای ما تغییر داد، و اکنون که صنایع موشکی جمهوری اسلامی ایران به نقطه قوت کشورمان، در قبال تهدیدات آمریکا و به عامل وحشت اسرائیل در منطقه بدل شده است، ثمره شیرین این تدبیر مبارک است.

سردار شهید، در کوران مبارزات، به خاطر ضرورت حضور در فعالیتهای انقلابی، از ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم صرف نظر کرد، و در ماههای اخیر عمر مبارکش نیز، به رغم قبولی و حضور در کلاسهای درس، به عشق خدمت به انقلاب و کشور و بنا به توصیه هم‌رزمش سرلشکر شهید احمد کاظمی، از ادامه تحصیل در دوره دکتری، چشم پوشید.

او همواره می‌گفت: شرم دارم بگویم در سالهای ممتد و متمادی در جبهه حضور داشته‌ام، اما زنده مانده‌ام؛ زیرا که شاید، این نشان عدم شایستگی من برای شهادت باشد!! و اخیراً نیز از این که به رغم سی سال حضور در مبارزات و صحنه‌های خون و خطر، به آرزوی دیرینش ناآل نگشته است، نزد مادر صبور خود، سخت اظهار دلتنگی می‌کند!

سردار شهید حاج صفدر رشاد، سرانجام سر پرشور بر سر پیمان نهاد و همراه با هم‌بالان طوپانشینش، سر لشکر شهید حاج احمد کاظمی و دیگر فرماندهان نیروی زمینی سپاه، در حین ماموریت در منطقه عملیاتی شمال غرب کشور، ساعت نه و سی و پنج دقیقه صبح 19/10/1384، برابر با عرفة 1426 به آسمان پیوست، و بدینسان جهادی را که نوزده دی پنجاه و شش آغاز کرده بود در نوزده دی هشتاد و چهار به فرجام رسانید. اینک، مرد فرهنگ و جهاد و سردار شجاع و متهور

اصابت گلوله دژخیمان قرار گرفت و مجروح شد. روز بیست و یکم بهمن ماه پنجاه و هفت به همراه برادرش حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد و عده‌ای از جوانان، در تصرف پادگان مهم قلعه مرغی تهران که شامل بخش‌های مختلفی از جمله هواپیمایی ژاندارمری، پایگاه هوا نیروز و دانشکده آموزش خلبانی می‌شد، شرکت فعال کرد و تا سامان یابی ارتش و تعیین فرمانده، در اداره و حفاظت از این مجموعه، مشارکت موثر داشت.

بنا به توصیه برادر، و به اقتضای ضرورت حفاظت از دستاوردهای انقلاب، با شکل‌گیری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تاریخ 27/2/58 وارد سپاه شد. او از این توصیه، همواره به عنوان راهنمایی سرنوشت ساز و خوب یاد می‌کرد. با آغاز شرارت‌های جریان‌های ضد انقلاب، پس از شروع جنگ تحمیلی، شهید رشادی همچون دیگر جوانان انقلابی، به جبهه‌های نبرد شتافت؛ شرکت در عملیات آزاد سازی بوکان در سال پنجاه و هشت، مشارکت در عملیات آزاد سازی دیگر شهرهای شمال غرب به عنوان فرمانده دسته در سال پنجاه و نه، نبرد با ضد انقلاب در مریوان، سنقر، سردشت، سرپل ذهاب، سنندج و در سال شصت؛ اعزام مکرر به منطقه عملیاتی جنوب و شرکت در عملیات فرمانده کل قوا، عملیات والفجر مقدماتی در سال شصت و یک، سپس مشارکت در تأسیس سایت موشکی جنوب، برعهده گرفتن ریاست ستاد و جانشینی فرماندهی قرارگاه صاعقه، گوشه‌ای از خدمات سراسر جهاد و ایثار او در دوران پر افتخار دفاع مقدس است.

سردار شهید سرتیپ رشادی (ره) مبارزی متهور و مومن، مدیری مبتکر و مقتدر، و منتقدی صریح الهجه و منصف بود؛ همه‌ی کسانی که او را می‌شناختند در این نکته اتفاق نظر دارند

1359: فرماندهی دسته در عملیات آزاد سازی مریوان (14/3/59 تا 15/6/59)

— اعزام مجدد به منطقه ی عملیاتی شمال غرب برای آزاد سازی شهرها (5/7/59 تا 4/8/59)

— اعزام به منطقه عملیاتی جنوب (مسجد سلیمان) 59 5/10 تا 25/12/59 .

1360: اعزام به منطقه عملیاتی جنوب (دارخوین) مسئولیت توپ 33 م.م و مشارکت در عملیات فرمانده کل قوا (8/2/60 تا 10/4/60).

— اعزام به منطقه عملیاتی غرب کشور ، نبرد در سقز ، سردشت ، سرپل ذهاب ، سنندج و ... (5/5/60 تا 10/10/4/60).

— اعزام به منطقه عملیاتی جنوب (آبادان) 10/10/60 تا 1/7/60 .

1361: اعزام مجدد به منطقه عملیاتی جنوب (دارخوین) مسئولیت توپ 33 م.م و شرکت در عملیات والفجر مقدماتی (20/1/61 تا 20/3/61).

1362: تصدی قائم مقام فرماندهی پایگاه اسلامشهر — تهران (21/1/61 تا 21/6/62)

فرماندهی پایگاه سلمان فارسی — تهران (22/6/62 تا 16/1/63) 1363

فرماندهی پایگاه فیروزکوه (7/11/63 تا 2/3/66)

— ازدواج و تشکیل خانواده .

1366: مدیریت آموزش مسئولین نیروی هوایی (3/3/66 تا 3/5/67)

1367: مشارکت در تاسیس سایت موشکی جنوب

— ریاست ستاد قرارگاه صاعقه در منطقه عملیاتی جنوب (20/5/67 تا 29/5/68)

جانشینی فرماندهی قرارگاه صاعقه (20/8/67 تا 14/4/68)

سالهای سخت دفاع مقدس ، و معاون مبدع طرح و برنامه ریزی نیروی زمینی سپاه ، شاهد شهادت را به آغوش کشیده است و در جمع خیل سرداران سربدار بر تربت آرمیده است .

سردار شهید حاج صفدر رشادی و همسنگرانش با عروج عزتمند خویش ؛ از سویی ما را به سوگی سنگین نشانند . و از دیگر سو با شهادت خود ، راهی ناتمام پیش روی ما بر جای نهادند و آحاد ملت را به پیمودن آن فرا خواندند . اینک مردان مردی باید ، که این فراخوان عرشی را اجابت کرده ، این راه را به پایان برند . در پایان خلاصه ی گاهشمار نقاط عطف زندگی سردار شهید را که نشان دهنده ی گوشه ای از خدمات سی ساله و زندگی سراسر شور و شعور اوست سردار شهید :

1340: تولد در خانواده دینی و انقلابی .

1346: ورود به دبستان (مدرسه یغما جندقی ، تهران)

1355: ورود به حوزه علمیه قم و اشتغال به تحصیل در مدرسه ی سنیه .

1356: آغاز مبارزه با رژیم ستمشاهی ،

— انتقال اعلامیه های حضرت امام از قم به تهران و بالعکس ،

— فعالیت فرهنگی هنری در جهت روشنگری و بسیج جوانان در جنوب غرب تهران .

1357: مجروحیت در درگیری خیابانی با ماموران رژیم شاه ،

— مشارکت در عملیات آزاد سازی پادگان قلعه مرغی در بیست و یکم بهمن ماه پنجاه و هفت .

1358: گذراندن دوره آموزش نظامی در پادگان سعد آباد (امام

علی) 27/2/58 تا 12/3/58، ورود به سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی (12/3/1385) و اعزام به مناطق عملیاتی مختلف

— اعزام به کردستان و مشارکت در عملیات آزاد سازی بوکان (21/5/58 تا 5/8/58)

- سفر حج سوم .

1384 : معاونت طرح و برنامه و مالی نیروی زمینی (3/7/84 تا شهادت)

1384/19/10 : عروج (طویی له و حسن ماب)



1368 : معرفی به عنوان پاسدار نمونه

ریاست ستاد تیپ موشکی نیروی هوایی سپاه (حدید) قبل از تشکیل یگان موشکی (27/8/68 تا 20/6/75) هفت سال

1369 : شرکت در تاسیس یگان موشکی سپاه

- معاونت هماهنگ کننده یگان موشکی زمین به زمین (ریاست ستاد یگان) 13/8/69 تا 4/9/77

1370 : ورود به دانشکده فرماندهی و ستاد (13/7/70)

- نخستین سفر حج .

1373 : نیل به درجه سرهنگی (1/4/73)

1374 : ورود به دانشگاه شهید بهشتی و تحصیل در رشته مدیریت / زمستان 74 تا بهار 79

1375 : فرماندهی گردان یکم اما سجاد (ع) و با حفظ سمت فرماندهی تیپ حسین بن علی (ع) 21/6/75 به مدت سه سال .

1377 : جانشینی معاون طرح و برنامه ی نیروی زمینی (5/9/77) به مدت شش سال .

- معرفی به عنوان مدیر نمونه .

1380 : ساخت مجتمع فرهنگی رفاهی الغدیر یک - شمال .

1381 : نیل به درجه ی سرتیپ دومی به تصویب مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا در تاریخ 25/12/81

1382 : معاونت طرح و برنامه ریزی نیروی زمینی سپاه (24/3/82 تا 2/7/84)

- ساخت مجتمع فرهنگی رفاهی الغدیر دو - مشهد .

- تصدی دبیر هیات علمی بعثه مقام معظم رهبری در حج به مدت دو سال

- سفر حج دوم .

1383 : ورود به دانشگاه امام حسین (ع) برای تحصیل در دروه عالی جنگ (مقطع دکتری)

تعیین پرچم ایران

پرچم و درفش از دیر باز به عنوان علامت شخص شاه ، فرمانده و لشکریان استفاده می شده است و بیانگر هویت و حیثیت گروهی از انسانها تلقی می شود .

رنگ سه گانه پرچم ایران در دوران ناصرالدین شاه قاجار انتخاب شد و در جریان انقلاب مشروطه با تدوین قانون اساسی تثبیت شد . بر اساس اصل پنجم متمم این قانون ، رنگ سبز ، نشان دین اسلام ، مذهب شیعه و نیز خرمی کشور و صفای روح و باطن ؛ رنگ سفید نشان صلح خواهی ، دوستی و آرامش طلبی ملت ایران و قرمز نشان مشروطیت و آمادگی ملت ایران برای دفاع از استقلال و آزادی حتی به قیمت ریخته شدن خون فرزندان به کار رفته است .

ابعاد و شکل دقیق پرچم ایران در سال 1336 ه.ش با افزودن

نشان شیر و خورشید دوباره تعیین شد و تا سال 57 ه.ش به همین شکل باقی ماند . پس از انقلاب اسلامی ، نشان پرچم به طرحی از کلمه (الله) تغیر یافت که مانند لاله سرخی است که از خون شهیدان انقلاب سر بر آورده و چهار قسمت آن شبیه هلال و جزء میانی آن یادآور شمشیر و نشان قدرت و ایستادگی ملت ایران به طور کل کلمه توحید (لا اله الا الله) را شکل می دهد .

همچنین عبارت (الله اکبر) 22 بار در حاشیه پایین نوار سبز و حاشیه بالای نوار قرمز به علامت روز پیروزی انقلاب در 22 بهمن سال 57 حک شده است .

در این ماه ، پرچم ما شکل گرفته و شاید یکی از جالب ترین مناسبت‌های این ماه باشد .



انجام داد ترم اول را با معدل 18 پشت سر گذاشتم . بیشتر دانشجویانی که هم ورودی من بودند رتبه های تک رقمی داشتند و رقابت خیلی سنگین بود . درباره درس مقدمات علم حقوق یک خاطره خیلی خوب دارم که در آن درس فقط من نمره 5/19 را که بالاترین نمره کلاس بود گرفتم . و خدا را شکر توانستم 6 ترمه دوره کارشناسی را به پایان برسانم و در کارشناسی ارشد با رتبه 18 پذیرفته شوم که در حال حاضر مشغول تهیه پایان نامه ام می باشم . * در صحبت هایتان اشاره کردید که جو بدی در دانشگاه حاکم بود فکر می کنید چه عواملی باعث به وجود آمدن این جو شده است ؟
— فکر می کنم بیشتر آن به خود بچه ها بر می گردد .

آنها انتظار داشتند مثل کنکور که رقابت جداگانه بود در دانشکده ها نیز همینطور باشد ولی آمدند و دیدند که نه ، باید زحمت بکشند

یک مقداری هم ستاد آسان می گرفت . اگر مریض می شدند یا درسی سنگین بود به امید ستاد راحت آن درس را حذف می کردند . ولی الان وضع بهتر شده و به راحتی درسی را حذف نمی کنند . اول تحقیق می کنند که آیا واقعاً مشکل جدی است یا خیر ، بدبختانه بعضی از بچه ها درس نمی خوانند اگر درس می خواندند وضع بهتر بود . و مسئله دیگر این است که متأسفانه بعضی از بچه های شاهد و ایثارگر در طول 4 سال یکبار هم به ستاد مراجعه نکرده اند و نمی خواهند شناخته شوند . حتی کمک هزینه را نیز پنهانی دریافت می کنند و در اردوها و برنامه های ستاد شرکت نمی کنند . در حالیکه یک دانشجوی شاهد

*** ضمن تشکر از حضورتان در این گفتگو ، لطفاً خودتان را معرفی نمایید .**



— من حمید سهرابی فرزند شهید حیدر سهرابی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا ورودی مهر 83 می باشم . سال 80 در کنکور سراسری موفق به قبولی در رشته حقوق شدم . زمانی که ما آمديم جو دانشگاه مشکل داشت مثل همین الان که می بینید نسبت به سهمیه ای ها یک دید خاصی دارند . ولی خدا خواست و با مشاوره هایی که ستاد شاهد دانشگاه

وایثارگر که خوب و همپای دیگر دانشجویان درس بخواند باید خیلی هم افتخار کند که عضوی از این مجموعه است .

*** به نظر شما علت عدم مراجعه عده ای از دانشجویان به ستاد چیست ؟**

— بچه ها خودشان خواستند که هیچ اطلاعیه ای در دانشکده ها نصب نگردد . من مطمئنم که ستاد ، اطلاع رسانی خوبی انجام می دهد و فکر می کنم بیشترین مشکل از خود بچه هاست . ولی ستاد می تواند کارهایی دیگر را در این زمینه انجام دهد . فرزندان شهدا به علت شرایط روحی خاصی که دارند احتیاج به حمایت بیشتری دارند . در این زمینه کارهای خوبی برای دختران انجام گرفته که هر هفته نشست دوستانه در خوابگاهها با هم دارند . برای پسرانی که در خوابگاهها هستند مخصوصاً برای ورودی های جدید که به خاطر دور افتادن از خانواده احتیاج به محبت بیشتری دارند و اگر سری به این دانشجویان بزنند یا اردوهای یک روزه ترتیب دهند . خیلی تاثیر گذار خواهد بود حتی شده برای حضور دانشجویان اجبار داشته باشند خیلی مفید است . زمان ما تمام ورودی های یک سال در یک طبقه جمع بودند . مثلاً ما در یک اتاق 4 نفر بودیم و همه شاهد و ایثارگر و همدیگر را کمک می کردیم . در ضمن با هم رقابت داشتیم . ولی الان 5 نفر در یک بلوک 2 نفر در بلوک دیگر و همینطور بچه ها پراکنده هستند . بچه های شاهد و ایثارگر همدیگر را نمی شناسند . ولی ما همدیگر را می شناختیم . سال بالایی ها یا دانشجویان نمونه به بچه های جدید ورود کمک کرده و آنها را راهنمایی می کردند . در جمع آوری جزوه ، در انتخاب استاد و انتخاب واحد به آنها کمک می کردند . بعضی از اساتید رابطه خوبی با جانبازان و ایثارگران ندارند . به عنوان مثال استاد اردبیلی رابطه جالبی با این بچه ها ندارد و

بچه های شاهد و ایثارگر با راهنمایی بچه های سال بالایی درس مربوط با این استاد را با دکتر شاملو گذراندند . مسئله دیگر استفاده از ترم تابستانی است که موقعیت خوبی برای بچه هاست که ترمهای آخر را که معمولاً درسها سنگین تر می شوند به راحتی بگذرانند . ستاد باید پرونده دانشجویانی که مشکل درسی دارند بررسی کند مثلاً دانشجویی که ترم 13 هست و هنوز 20 واحدش مانده . اگر ستاد با این دانشجویان اتمام حجت نکند و آنها را به حال خودشان رها کند در نهایت به اخراج شدن آنها می انجامد .

*** در صحبتهای خودتان به دانشجویان نمونه یا سال بالایی که به بچه های جدید کمک می کردند اشاره کردید لطفاً بیشتر توضیح دهید ؟**

— زمان ما آقای خاتمی که دانشجوی نمونه بودند اینکار را برای ما انجام می داد مثل رعایت پیش نیاز برای انتخاب واحد ، انتخاب استاد ، نحوه صحیح درس خواندن ، نحوه نت برداری از صحبتهای استاد و غیره که رعایت این موارد در ترمهای اول خیلی مهم است . آقای خاوه ایی هم در این یکی دو سال زحمات زیادی برای دانشجویان کشیده اند . و اگر الان هم این اتفاق بیفتد خیلی خوب است .

*** حالا از خودتان بگویید که چطور شد اینطور انگیزه درس خواندن پیدا کردید ؟**

— سال 80 که وارد دانشگاه شدم اطلاعات کاملی از رشته حقوق داشتم در آن زمان دانشکده حال و هوای خاصی داشت . یک روز سر کلاس ،

خانه نامه ای برایش فرستادند و از او خواستند برای انجام ماموریتی به منطقه باز گردد که ایشان پس از مراجعه به منطقه عملیاتی شربت شهادت را نوشیدند .

* در رابطه با ازدواج دانشجویان چه پیشنهادی دارید؟

— به نظر من باید کلاسهایی برای آمادگی دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار گردد تا آنها بتوانند مهارت‌های زندگی را کسب کرده و با دید و شناختی مضاعف پا به این عرصه از زندگی نهاده تا در آینده مشکلی برایشان پیش نیاید . از آنجا که بنده تعدادی از دانشجویانی را که بعد از ازدواج با مشکل روبه رو شده اند و بعضی از آنها اقدام به جدایی کرده اند را از نزدیک می شناسم این را عرض می کنم . چرا که بدون شناخت و آگاهی دقیق زندگی مشترک را آغاز می کنند و بعداً به مشکل بر می خورند و در این زمینه دانشجویان باید مشاوره شوند و همچنین تسهیلاتی نیز برای رفع موانع مالی که در ازدواج موجود است در اختیار دانشجویان قرار گیرد .

چه پیامی برای دیگر فرزندان شهدا دارید؟

— فرزندان شهدا بدانند که مسئولیت بسیار سنگینی با توجه به وضع کنونی جامعه در زمینه ادامه راه پدر و حفظ ارزشهای او بر دوششان است . ما از وجود پدرانی هستیم که برای حفظ استقلال و راحتی این مردم از همه چیز حتی زن و فرزند خود گذشتند و بی هیچ ادعایی این دنیا را ترک کردند . پس

بر ماست که با جدیت در عرصه های مهم حضور پیدا کنیم و با کسب علم خود مدارج بالایی را کسب کنیم .

با فرهنگ مورد نظر پدرانمان فرهنگ سازی کنیم و در یک کلام

استاد سوالی را از دانشجویی که شاهد بود پرسید و او نتوانست جواب بدهد . یکی از بچه های کلاس که رتبه تک رقمی داشت گفت : اینها سهمیه ای هستند و با کمک سهمیه وارد دانشگاه شده اند . و این باعث شد که به رگ غیرت من برخورد و همان جا تصمیم گرفتم خوب درس بخوانم .

یک خاطره ای از کلاس دکتر احمد توکل دارم . زمانی که ایشان سر کلاس ما آمدند ضمن معرفی خودشان اظهار داشتند : من برای خانواده شاهد و ایثارگر احترام زیادی قائلم ولی برای نمره ، پیش من نیایید . صحبت های ایشان خیلی به من برخورد و تنها کسی که در کلاس از درس مالیه عمومی ایشان نمره 20 گرفت من بودم و بعداً نزد ایشان رفتم و گفتم که من فرزند شهید هستم . آن صحبتی که روز اول داشتید می توانستید طور دیگری مطرح کنید و ایشان از من عذرخواهی کردند . لازم به ذکر است که من از 2 ترم تابستان هم استفاده کردم و توانستم در طول 6 ترم لیسانس خود را بگیرم و در همان سال هم با رتبه 11 در مقطع بالاتر پذیرفته شدم من برای کنکور ارشد زیاد درس نخواندم چرا که در طول ترم خوب خوانده بودم و خدا را شکر که توانستم به راحتی در مقطع ارشد پذیرفته شوم . وانشاء... قصد دارم در کنکور دکتری نیز شرکت کنم .

* از پدرتان بگوئید چقدر ایشان را به یاد می آورید؟

— من متولد سال 61 می باشم و پدرم در تاریخ 29/9/66 در منطقه عملیاتی نهر عنبر به شهادت رسید . آن زمان 5 ساله بودم و به کودکستان می رفتم . آخرین باری که پدرم به مرخصی آمده بود یادم می آید که بلافاصله پس از رسیدن به

حتی به اندازه ذره ای از خود گذشتگی پدرانمان در جهت حفظ ارزشهای این شهدا از خود گذشتگی داشته باشیم چون بنده به این آیه از قرآن مجید اعتقاد دارم که «ولا تحسبن الذين قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون». آری فرزندان شهدا! پدران ما زنده و ناظر اعمال ما هستند پس بهترین شاخه گلی که من و تو می توانیم تقدیمشان کنیم این است که ایمان ، تقوا ، علم و شجاعت را در زندگی ، سرلوحه کار خود داشته باشیم .

*** در انتها اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید .**



— نکته لازمی که باید عرض کنم این است که ما مسئولیم و باید دین خود را ادا کنیم . خیلی برای ما مهم است راهی را که پدران و برادران ما رفتند ادامه دهیم چرا که راه آنان مطلوب خداوند است و به نظر من اینجا هم به نوعی جبهه است و ما باید از آرمان های آنها دفاع کنیم و طوری نباشد که به ما بگویند با سهمیه آمده اند . توصیه من به دوستانم این است که ان شاء... و با امید به خدا با درس خواندن و پشتکار خودشان کمک کنند که روزه روز از لحاظ بار علمی قوی تر شوند تا دین خود را به این مملکت ادا کنند و الان وظیفه اصلی ما درس خواندن است و ما باید حتماً به این وظیفه عمل کنیم . ما هیئت علمی ستاد را نیز باید خودمان به دست بگیریم . برای اینکه ما بهتر درد همدیگر را می فهمیم و بهتر می توانیم همدیگر را درک کنیم .

زمانیکه یک نفر غریبه کار تدریس را انجام می دهد بعضی از مشکلات ما را درک نمی کند

مثلاً جانبازی که هزار جور گرفتاری دارد . هم باید کار کند هم درس بخواند و مسائلی از این قبیل . آخرش هم می گوید با سهمیه بالا آمده و چیزی یاد نمی گیرد . ولی اگر مدرسان از جنس خودمان باشند خیلی موفق تر عمل می کنند . در ضمن ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی یکی از محدود ستادهای شاهد و ایثارگر است که واقعاً فعالیت زیادی در زمینه کلاسهای تقویتی دارد و خیلی وقتها کلاسها با حضور یک دانشجو برگزار می گردد که این واقعاً جای تقدیر و تشکر از مسئولین ستاد بویژه آقای مهندس طالبی را دارد .

رقیه افسری

لبنان سرزمین مقاومت (قسمت دوم)

سفرنامه جمعی از اساتید به لبنان و سوریه

ساعت 8/30 شب است و اولین روز سفرمان را پشت سر گذاشته و به سوی محل اسکانمان در بعلبک رهسپار می شویم . هنوز امنیت و نظم اجتماعی در این شهر به شکل مطلوب حکفرما نگشته است . به محل اسکانمان که می رسیم آقایان در یک طبقه و خانم ها در طبقه ای دیگر مستقر می شوند . ساعت 6 صبح به سوی بیروت پایتخت لبنان حرکت می کنیم . فاصله بعلبک تا بیروت حدود 2 ساعت است . از زحران می گذریم و صبحانه را در رستوران (شهاده هاشم) در اشتوره صرف می کنیم .

از نکات خوب این سفر ایده استفاده از غذاهای سنتی عرب می باشد که برایمان جالب است . در مسیر حرکتمان به سوی بیروت آثاری از قطع خطوط راه آهن و تخریب آن را می بینیم . در جای جای مسیر حرکتمان آثاری از جنگ داخلی در لبنان را می توان به وضوح مشاهده کرد . پاسگاههای ایست بازرسی در فاصله های کوتاه در حال کنترل خودروها می باشند . به هر سوی جاده که می نگریم ، سرسبزی و زیبایی طبیعت چشمانمان را می نوازد . یا دگارهایی هم از روزهای اشغال بیروت به چشم می خورد که شامل تصاویری از مقاومت و تلاش برای رسیدن به استقلال و حاکمی از صبر و استقامت مردم مقاوم لبنان می باشد . در این شهر ، فرهنگ غربی و شرقی در کنار هم به خوبی قابل رویت است . از یک سو تمدن غنی اسلامی ، مسلمانان زیادی را در خود جای داده و از سوی دیگر فرهنگ و تمدن غرب به ویژه فرهنگ فرانسوی در برخی از نواحی حکمفرماست .

از آنجا که اعضاء گروه از اساتید دانشگاه هستند ، بازدید از دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه جامعه الاسلامی در برنامه قرار دارد . وارد دانشگاه آمریکاییان می شویم که ساختمانی بنا شده به سبک اروپایی ، قدیمی و شیک است . پس از ورود گروه ، راهنما برای استقبال می آید و توضیحات خود را اینگونه آغاز می کند : □ دانشگاه آمریکاییان در سال 1866 توسط گروه پروتستان بنا گردید . موسس دانشگاه فردی به نام آقای بس بود . وی در ادامه عنوان می کند که در طول جنگهای داخلی لبنان ماشینی وارد محوطه دانشگاه می شود و پس از چند لحظه منفجر می شود و این حادثه تا مدت زمان مدیدی باعث تعطیلی دانشگاه می شود . در سال 1991 دانشگاه پس از بازسازی کار خود را دوباره آغاز می کند و یکی از بهترین دانشگاهها در سطح خاورمیانه است . مدیر و جانشین او آمریکایی هستند و کلاً رسم بر این بوده که معمولاً رؤسا آمریکایی باشند . البته در یک دوره کوتاه که رئیس آمریکایی ترور شد ، یک نفر لبنانی به عنوان رئیس انتخاب شد . در این دانشگاه شش هزار دانشجو مشغول تحصیل می باشند . پس از پایان بازدید به دفتر رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیروت می رویم . در دفتر رایزنی از سوی هموطنانمان استقبال و پذیرایی گرمی از ما به عمل می آید . و پس از نیم ساعت به دانشگاه جامعه الاسلامی در بیروت می رویم که مورد استقبال مسئولین دانشگاه قرار می گیریم . رئیس دانشگاه می گوید : □ کلیه کارکنان در دانشگاه ملزم به رعایت حجاب اسلامی هستند . اما در رابطه با دانشجویان البته دوست داریم همه محجبه باشند ، اما چون عده ای غیر مسلمان هستند و در لبنان هم حجاب اجباری نیست مسلماً بعضی از دانشجویان هم فاقد حجاب اسلامی می باشند . □ وی در ادامه عنوان می کند : □

دانشگاه جامعه اسلامی از جمله دانشگاههایی است که عضو اتحادیه دانشگاههای عرب است و در اتحادیه دانشگاههای فرانسه و دانشگاههای اسلامی عضویت دارد . □

بعد از پایان بازدید با بدرقه دوستانمان برای صرف ناهار و اقامه نماز به رستوران شیک و مرتبی می رویم . این رستوران که الساحة نام دارد عایداتش را به موسسه خیریه ای که از کودکان شیعه صغیر نگهداری می کند اختصاص داده است . در این رستوران غذا به شیوه فرانسوی سرو می شود . در هر صورت ناهار بسیار لذیذی را صرف کرده و نماز را هم در مسجد رستوران به جا می آوریم . بعد از ادای نماز طبق برنامه به مراکز خرید بیروت می رویم . امشب شب جمعه است با توجه به برنامه تعیین شده به سمت مسجد قائم که مختص حزب ا... لبنان است می رویم و دعای پر فیض کمیل را می خوانیم . این مسجد در محله ای محروم از لحاظ اقتصادی قرار دارد ، اما نکته قابل توجه ، عشق شیعیان به علی و ذوق و شوق آنها برای خواندن دعای کمیل است که عاشقانه این دعا را می خوانند . از مسجد خارج می شویم و برای دیدن صخره روشه و شنیدن غرشهای مدیریتانه روانه ساحل می شویم .

ادامه دارد ...



زمینه‌هایی همچون مسائل روحی ، روانی ، خانوادگی ، ازدواج و نیمسال فعالی را پشت سر گذاشت .
در این نیمسال به 376 نفر در دوره‌های مختلف تحصیلی بن کتاب اهدا شد .

تابلو اعلانات

کارنامه فعالیت‌های اداره کل امور دانشجویان شاهد و ایثارگر در نیمسال دوم 85- 84
ستاد دانشجویان شاهد و ایثارگر در نیمسال دوم 85- 84 ، 10 جلسه برگزار نمود که در این جلسات 177 پرونده حذف درس ، مورد بررسی قرار گرفت .
واحد مشاوره غیر آموزشی مستقر در اداره کل ، در نیمسال دوم 85- 84 با مراجعه 142 دانشجو در

کلاسهای تقویتی برگزار شده در نیمسال دوم 85-84

تعداد دانشجو	تعداد مدرس	تعداد کلاس	
225	50	110	کلاس تقویتی
45	5	15	گروه درسی
270	55	125	جمع کل